

نگاهی به ایران و جهان در سال ۹۵ در گفت‌وگو با دکتر صلاح‌الدین هوسنی

## اقتصاد، چالش تعیین کننده انتخابات ۹۶



■ فرمان ضدمهاجرتی را چگونه می‌بینید.

اجرای این فرمان زندگی صدها هزار شهروند ساکن ایالات متحده آمریکا را سخت‌تر و امنیت روانی شهروندان غیرآمریکایی را سلب می‌کند. در حال حاضر هم ترامپ قصد دارد سلسله‌فرامینی را در راستای بیگانه‌هراسی خود صادر کند و برای او فرقی نمی‌کند که قاضی سیاتل یا قاضی ایالت هاوایی آن را لغو کند.

■ این روزها با تصمیماتی که رییس‌جمهور آمریکا می‌گیرد، بحث فروپاشی این کشور قوت گرفته است، تا چه اندازه این پروژه را جدی می‌دانید.

در نگاه من نقش فرد در بروز و ظهور شرایط خاص غیرقابل انکار است. مثلاً به همان اندازه که لنین در پیروزی انقلاب فرانسه نقش داشت، گورباچف هم در کنار همه دلایل موجهه از جمله گلاستوست (بلورینگ یا شفافیت) و پروسترویکا (بازسازی) در فروپاشی کمونیسم و اتحاد جماهیر شوروی نقش ایفا کرد. ترامپ نیز از این قاعده مستثنی نیست. به نظر می‌رسد رییس‌جمهوری که با شعار تغییر روی کار آمده، عملکردش کمترین نشانه از اعاده عظمت آمریکا را دارد. بنابراین ادعای عظمت آمریکایی بیشتر یک ژست سیاسی است تا واقعیت. به نظر می‌رسد هدف اصلی ترامپ در نمایش چنین کنشی بیشتر از آنکه تلاش برای اعاده و احیای عظمت آمریکا باشد، کوششی برای بهبود موقعیت خود در میان افکار عمومی است. او سخت آگاه است که مشروعیت او نه برای مردم آمریکا بلکه برای مردم جهان به خاطر آن لغزش‌ها و همچنین با توجه به تصمیمات خارج از قاعده و منطقی که گرفته و خواهد گرفت، در مظان اتهام قرار دارد. کنش‌های او در طول یک ماه حضورش در کاخ سفید جز تنش و بحران، حاصلی نداشت. در رفتار ترامپ عقبگرد از میراث پیشینیان، روسی‌گرایی سازمان‌یافته و عیسان و همچنین اصرار بر ساختار شکنی به منظور عبور از سنت‌ها و هنجارهای نهادینه رایج آمریکایی نمود فراوان دارد. این نمود و نشانه‌ها در آینده نیز شدت خواهد گرفت. بنابراین غیرمحمتم نیست که ترامپ بخواهد آرزوی مقامات کرملین با ضعف و مالا سقوط آمریکا تحقق بخشد.

■ تحولات منطقه و موقعیت فعلی سوریه را چگونه ارزیابی می‌کنید.

موقعیت فعلی سوریه ناشی از اعتماد به نفسی است که بشار اسد بعد از پیروزی در حلب به دست آورده است. البته نظام سیاسی سوریه این اعتماد به نفس را باید موهون حمایت لجستیکی سازمان‌یافته روسیه در جبهه هوایی و استظهار آن به حمایت ایران در جبهه زمینی دانست. دلیل دیگر موقعیت رو به پیشرفت سوریه ناشی از کاهش توان دفاعی مخالفان و شورشیان مسلح است. تردیدی ندارم که پیروزی در حلب این کشور را در مسیر پیروزی و استقرار صلح و ثبات قرار داده است.

■ آینده این کشور؟

درباره آینده سوریه هم باید خاطر نشان کنم که پایان دادن به هرگونه تضاد منافع بازیگران منطقه‌ای و همچنین فرامتنطقه‌ای عاملی تعیین‌کننده در بحران سوریه خواهد بود. تا زمانی که بازیگران منطقه‌ای و فرامتنطقه‌ای نخواهند به تضاد منافع پایان دهند، بحران و آشوب داستان مکرر سوریه خواهد بود.

■ کودتای ترکیه؟

کودتای ۱۵ ژوئیه را همانند سایر کنش‌های اردوغان در تداوم رفتارهای گریز از مرکزش قرار می‌دهم. کودتای این ایزاری برای عبور از نظام جمهوری ترکیه بود. این کودتا دست اردوغان را برای سرکوب و تسویه مخالفان از نظام سیاسی ترکیه باز کرد. به واقع کودتا پاسخی به این فرصت بود تا شاید از رهگذر آن، راه یک سالارانه آینده حکومتش هموار و بی‌مانع باشد. بازداشت‌های فله‌ای بعد از کودتا از سوی عناصر دولتی که حوزه‌های ارتش، دستگاه‌های قضایی، آموزش عالی و آموزش‌وپرورش و سایر ارگان‌های را در بر گرفته و محاط کرده است، قرینمای برای اثبات ناراست بودن ادعاهای اردوغان است.

■ تحولات منطقه بعد از کودتای ترکیه را چگونه ارزیابی می‌کنید.

ترکیه به جهت رفتارهای پارادوکسیکال خود بابت موضوعات منطقه این اواخر سخت تنها و منزوی شده است. بنابراین تلاش دارد در سایه رفتارهای پاندولی به فرصت‌های جدیدی در منطقه برای نقش‌یابی دست یابد.

ترکیه این نقش‌یابی جدید را به دو منظور انجام می‌دهد. اول آنکه در کنار عراق به مشکلات جنگ با داعش و همچنین کردهای شمال عراق آید سپس با ائتلاف استراتژیک با عراق نقش خود را در نبرد با داعش و کردها در سوریه بر جسته کند. این هدف و نیت ترکیه را می‌توان در سایه شرایط جدید منطقه بازخوانی و رد جویی کرد چراکه از یک طرف روسیه قرار است بعد از آزاد سازی حلب در سوریه از این کشور خارج شود و از طرف دیگر ترکیه ایران را به نقض آتش‌بس در سوریه متهم کرده است. به این ترتیب، شرایط روسیه و ایران این فرصت را به ترکیه داده است که بتواند به تعیین‌کنندگی نقش خود در منطقه امیدوار باشد. البته نباید انتظار داشت که در خلاء حضور روسیه در منطقه ترکیه خواهد توانست به نقش تعیین‌کنندگی و موقعیت برتر خود در رقم زدن مناسبات منطقه دست یابد. چراکه مقامات ترکیه سخت آگاهند که ایران و روسیه نقش افرتیان اصلی منطقه هستند. نزدیکی با عراق و عادی‌سازی روابط با روسیه بخش دیگری از تلاش‌های ترکیه در روزگاران پساکودتاست.

■ نظرتان راجع به بحران اخیر این کشور با اتحادیه اروپا چیست.

بحران اخیر ترکیه با اتحادیه اروپا را تلاش اردوغان برای افزایش اختیارات اجرایی و حرکت به سمت یک‌سالاری می‌دانم.

سال ۹۵ در جهان رخدادهایی به وقوع پیوسته که به طور قطع نسبت به پیامد آنها بر آینده دور و نزدیک کره خاکی نمی‌توان بی‌تفاوت بود. در این سال جهان شاهد اتفاق‌های تلخ فراوانی بود که از جمله مهم‌ترین آنها می‌توان از روی کار آمدن ترامپ، اوج‌گیری تفکر و رفتارهای پوپولیستی، خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا، بالا گرفتن تنش و جنگ در خاورمیانه، افزایش قدرت‌نمایی کرملین، مشکلات سیاسی و اجتماعی بین ترکیه و اتحادیه اروپا نام برد. از طرفی در ایران هم، مسائیل و مشکلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، در ماه‌های پایانی ۹۵ با فاجعه پلاسکو و جدل‌های انتخاباتی همراه شد. در گفت‌وگوی زیر، دکتر صلاح‌الدین هوسنی به تشریح مهم‌ترین رویدادهای سال ۹۵ از نگاه خود می‌پردازد، ضمن اینکه با توجه به هم زمانی با روز ملی شدن صنعت نفت او در پایان، به این رویداد مهم و ماندگار کشورمان هم اشاره مختصر و مفیدی دارد.

■ به نظر شما جهان در سال ۹۵ روی چه تحولاتی می‌چرخید؟

جهان در سال ۹۵ پر از تحول و حادثه بود. جنگ، بحران، کودتا، آشوب، داعش و انتخابات از موضوعات محوری جهان در این سال بود. چند موضوع در این سال بیشتر از دیگران مورد توجه قرار گرفت؛ انتخابات آمریکا، پیروزی ترامپ، تحولات منطقه مانند جنگ سوریه، کودتا در ترکیه و نیز خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا و اخیراً هم رابطه ترکیه با اروپا از موضوعات قابل توجه جهان در سال ۹۵ بود.

■ نگاه و داوری شما نسبت به ورود ترامپ به عرصه انتخابات چگونه بود و آیا انتظار داشتید پیروز شود.

در این ارتباط باید بگویم ورود ترامپ بیشتر طنز و شوخی به نظر می‌رسید و کمتر کسی او را جدی می‌گرفت. همین امر باعث شد نتنها بنده بلکه بسیاری از ناظران و تحلیلگران حتی تصور نکنند او بتواند در رقابت درون‌حزبی پیش بیاید و بالاتر از سایر رقبای قرار گیرد. اما ترامپ با استفاده از خشم رای‌دهندگان و برخلاف همه پیش‌بینی‌ها محبوبیت خود را افزایش داد و توانست خود را به عنوان نامزد پیش‌تاز جمهوریخواهان مطرح کند. در طول یک سال مبارزات انتخاباتی، ترامپ هرگز در نظرسنجی‌ها از لحاظ محبوبیت از کلینتون پیش نیفتاد. بنگاه‌ها و موسسات نظرسنجی تا آخرین روز شانس هیلاری کلینتون را ۹۰ درصد می‌دانستند.

■ پس چرا پیروز شد.

بدون شک یکی از دلایل پیروزی ترامپ را باید در تاکتیک تبلیغاتی زیرکانه او جست‌وجو کرد. او با این راهبرد توانست در رقابت‌های درون‌حزبی و سپس بین‌حزبی خود را در قالب نامزدی سرخورده و عصبانگر در مقابل وضع موجود معرفی کند. البته ترامپ در مدت تبلیغات انتخاباتی هرگز ظاهر سازی نکرد و ابایی نداشت که به عنوان نامزدی ضد کمزبکی، ضد معلولان و ضد سیاهپوستان معرفی شود. او با همین تاکتیک تشکیلات جمهوریخواهان را به ثبات و محافظه‌کاری معروف بودند مجبور کرد که همراه او شوند. او هیلاری و اوباما و دموکرات‌ها را به عنوان نماینده وضع موجود معرفی کرد. در واقع ترامپ با شعار تغییر وضع و ساختار موجود وارد میدان شد و بدون شک در زمانه‌ای که بیش از ۴۰ میلیون بیکار و زیر خط فقر در ایالات متحده وجود دارد این امر از دلایل مهم پیروزی او بود.

■ اسف فکری و منش رییس‌جمهور آمریکا را چگونه ارزیابی می‌کنید.

از ادبیات ترامپ می‌توان به افق فکری و منش سیاسی‌اش دست یافت. در ادبیاتی که ترامپ به کار می‌برد، زشتی، تباهی و عوام‌زدگی عصر مدرن رخ و چهره می‌نماید. در ادبیات او مونیتاریسم (پول باوری) جای سوسپال دموکراسی برنی سندنرد و لیبرتاریانیسم (آزادیخواهی رادیکال) و شونویسم (میهن‌پرستی افراطی) هیلاری کلینتون را گرفته است و او سخت‌نگران است که آنچه برای روزگار مدرن عصر حاضر کارآمد است نه آموزه‌های لیبرال دموکراسی بلکه مونیتاریسم است که می‌تواند به همه قدرت‌های دلخواه خود دست یابد. به باور ترامپ، در سرمایه‌داری امروز که آمریکا بزرگ‌ترین مظهر آن است، پول گرمایی‌ترین ارزش‌ها و فقر و تهیدستی در زمره بزرگ‌ترین جرم‌ها و گناه‌ها به شمار می‌رود بنابراین دموکراسی امروز ناتوان از حل مشکل اخلاقی سرمایه‌داری امروز هستند.

ترامپ با مواضعی که در کارزار رقابت‌های مقدماتی ریاست‌جمهوری آمریکا اتخاذ کرده است، درصدد آن است که روح اقتصاد تجاری و بورژوازی را در کالبد فرسوده محافظه‌کاری اشرافی آمریکا دمدم. گزینش‌های راهبردی ترامپ را نه می‌توان با مولفه‌های جفرسونی و همپلتونی همسو دانست و نه می‌توان آن را در ردیف مولفه‌های ویلسونی، جکسونی، نومحافظه‌کاری و حتی سنت معطوف به تغییر و تبدل باراک اوباما قرار داد. ترامپ با اتکا به پوپولیسم هیچ التفات و وقعی را به آن‌الگوهای هویت بخش و هویت‌ساز نمی‌نهد و با هوچی‌گری و نیز زایل کردن عقلایت امر سیاسی قصد خیابانی کردن امر سیاست را دارد.

■ به باور شما آمریکای پیش از ترامپ و پس از آن چه تفاوت‌هایی دارد.

نه بنده بلکه همه تحلیلگران بر این باور بودند که تمام مواضع ترامپ قبیل از انتخابات و بیشتر در ایام کارزار انتخابات بیشتر مصرف انتخاباتی داشته و اجرای آن در عرصه عمل و برای فردای انتخابات غیرممکن است. چیزی که این‌ها را ثابت می‌کرد رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی او بود. مثلاً کسی فکر نمی‌کرد او در مراسم و جشن پیروزی از ستایش هیلاری سخن بگوید. حتی بسیاری از تحلیلگران از جمله بنده حقیر پیروزی ترامپ را برای ایران بهتر دانستند. اما وضعیت تغییر کرد و دیدیم که او برای رضایت جمهوریخواهان آنچه را که گفته است، اجرا می‌کند. از جمله او فرامینی را صادر کرد که جزو برنامه‌های انتخاباتی‌اش بوده است.

■ می‌توانید بیشتر توضیح دهید؟

البته. در این ارتباط باید بگویم که مثلث بیکاری، فقر و گرانی هر روز گریبان تعداد بیشتری از مردم ایران را می‌گیرد و درصد بیشتری از جمعیت کشور را درگیر فقر و مشکلات شدید معیشتی می‌کند. تیم اقتصادی روحانی نتوانست انتظارات اقتصادی مردم را تأمین کند. در این ارتباط دولت روحانی با فراکنشی و فقط با این بهانه که او وارث مشکلات دولت قبلی است، برنامه‌ای برای حل این مشکلات ارائه نکرده و به نظر می‌رسد که در سامان و حل این مشکلات ناتوان است.

مزید بر آن تیم اقتصادی دولت به‌جای تلاش برای خروج کشور از بحران‌های اقتصادی، فقط به نتایج مثبت توافقات هسته‌ای دل خوش کرده است. غافل از آنکه فقط اقشار آگاه جامعه بر فواید آن واقفند.

اما بسیاری از مردم به ویژه طبقات کم‌درآمد جامعه امید به نتایج مثبت توافقات هسته‌ای نظیر لغو تحریم‌های هسته‌ای و پروسه عادی شدن وضعیت را بسیار زمان‌بر دانسته و بر آن ظرائف واقف نبوده و این شرایط را چیزی جز اهمال دولت در فقیرتر شدن بیشتر خود نمی‌دانند. مسلماً این وضعیت، چالش بسیار جدی روحانی و منتقدانش در انتخابات ۹۶ خواهد بود.

■ جدا از مشکلات معیشتی چه مشکلات چالشی روبه‌روی اصلاح‌طلبان و روحانی وجود دارد.

به نظر من، اهمال دولت در نحوه فسادستیزی، حضور برخی از وزرای مساله‌دار در کابینه او و همچنین ضعف رسانه‌های دولت در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی، مهم‌ترین مسائلی هستند که می‌توانند بر سر منویات اصلاح‌طلبان و دولت در انتخابات پیش رو چالش ایجاد کنند. در شرایط حاضر بروز و ظهور این نشاتگان باعث ناخشنودی در افکار عمومی شده است و مسلماً در روزهای نزدیک به انتخابات مورد استفاده جریان رقیب نیز قرار خواهد گرفت.

■ فردا صبحی شدن صنعت نفت ایران «۶۷ ساله می‌شود، فرصتی است تا در مورد این رویداد بزرگ کشور هم سخنی به میان آید.

جنبش ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر محمد مصدق، با وجود پیروزی‌های در خشان اولیه با تفرقه داخلی و مداخله خارجی عقیم ماند و به شکست انجامید. مقدمات ملی شدن صنعت نفت به وسیله جبهه ملی فراهم شد. جبهه‌ای که دکتر مصدق رهبری‌اش را بر عهده داشت و تلاش کرد با تصویب در مجلس، روز تاریخی ملی شدن صنعت نفت ایران در اسفند ۱۳۲۹ در حافظه ملت ایران باقی بماند.

مصدق بنا به دلایل اقتصادی-سیاسی و حتی اخلاقی نفت ایران را ملی کرد. از نظر اقتصادی مصدق احساس می‌کرد که با در آمد نفت می‌توان تمام نیازهای بودجه را تأمین کرد و نیز باور داشت که می‌توان با درآمد نفت بر فقر و بیماری و عقب‌افتادگی فایق آمد. در این پندارها بود که ملی شدن نفت موجب کاهش موقت نفت شد و مصدق به این نتیجه رسید که در چنین شرایطی چه بهتر که نفت ایران زیر زمین بماند تا نسل‌های آینده از آن استفاده کنند. این راهبرد مصدق موجب شد که ایران برای دوره‌ای اقتصاد بدون نفت را در پیش بگیرد. بدون تردید زمز موفقیت اقتصاد بدون نفت مصدق در تعدیل و دسامز کردن تجارت خارجی و گسترش میزبان تولید داخلی بود؛ نمونه‌ای که می‌توانست الگویی برای دولت‌های بعد شود.

اگر چه الگوی پیشنهادی اقتصاد سیاسی مصدق مورد استفاده دولت‌های بعد از او قرار نگرفت اما این انتظار می‌رفت که دولت‌های پس از انقلاب اسلامی با توجه به اهداف و آرمان ضداستکباری خود از آن برای پیشبرد فراگرد حیات اقتصادی خود استفاده کنند. هم‌اینک در آستانه ۶۷ سالگی ملی شدن صنعت الگوی اقتصاد سیاسی دکتر مصدق حلقه مفقوده دولت‌ها در پیشبرد فراگرد حیات اقتصادی است.

امروز در فراگرد حیات اقتصادی نظام مبتنی بر الگوی رانتیریسیم مطلوبیت بیشتری بر نظام نمایندگی و مالیت دارد. وابستگی دولت به درآمدهای نفتی و بی‌نیازی از درآمدهای مالیاتی باعث شد سازمان امور مالیاتی در حاشیه قرار بگیرد و به جهت تخصصی‌تر درآمد نفت در تأمین و تنظیم بودجه، شاهد اجرای سیاست‌های نامطلوب در عرصه اقتصاد هستیم.

قرائن نشان می‌دهد که دولت سالانه حدود ۴۰ تا ۵۰ میلیارد دلار از درآمدهای ارزی را در بخش واردات هزینه می‌کند که با توجه به این میزان واردات، تکلیف درآمدهای افسانه‌ای ارزی مشخص است. این به معنای آن است که دولت در قبال فروش نفت، کالا وارد می‌کند. به واقع فروش منابع زیرزمینی و وارد کردن کالا علاوه بر پیش‌خور کردن ثروت نسل‌های بعد، باعث رکود و حتی تعطیلی تولیدات داخلی نیز شده است و دولت‌ها تلاش ندارند از سیستم مالیات برای تأمین بودجه استفاده کنند. واقعیت آن است که در ۶۷ سالگی ملی شدن صنعت نفت، اقتصاد ایران رابطه وهمبستگی ارگانیک با فروش نفت و درآمدهای آن دارد و هر دولتی که بر سر کار آید، با اتکا به نفت قدرت سیاسی خود را به نمایش می‌گذارد.

جان سخن آنکه اگر مصدق می‌دانست که قرار است اخلاقی با فاصله‌گیری از الگوی او در اقتصاد سیاسی، فراگرد حیات اقتصادی کشور را جلو ببرند، شاید اندیشه‌های دیگر در سر می‌پروراند و نهایت اینکه متأسفانه امروز از الگوی اقتصاد سیاسی مصدق فقط می‌توان اقدامات پوپولیستی را در رفتار دولت‌ها مشاهده کرد چراکه فضای سیاسی و اجتماعی ایران نظیر کمتر به خود خواهد دید.

■ چه آرزویی برای جهان و ایران در سال ۹۶ دارید.

بزرگ‌ترین و مهم‌ترین آرزوی من در سال ۹۶، آن است که همگان و همه سیاستمداران و آنهایی که بیشتر از همه در بر هم زند نظم بین‌الملل نقش داشته‌اند، بر سر عقل بیایند. برای کشور و مردم ایران هم بزرگ‌ترین آرزوی من همان رفع مشکلات اقتصادی و معیشتی است. ضمن آنکه ایرانی آباد و پر عزت و به‌دور از هیاهو و همچنین زندگی آرام و به‌دور از حاشیه‌های مردم آرزوی قلبی من است.

■ چه نشانه‌هایی برای این ادعای وجود دارد؟

تنها راه ممکن برای یک‌سالاری اردوغان تغییر قانون اساسی است. اردوغان تلاش دارد رفراندومی را برای تغییر قانون اساسی ترکیه در ۲۷ آوریل برگزار کند. مطابق آخرین نظرسنجی‌های صورت گرفته، تنها ۴۵ درصد از شهروندان ترکیه‌ای موافق افزایش اختیارات رییس‌جمهور هستند. تا این اساس حتی برخی از طرفداران حزب عدالت و توسعه نیز مانند اکثر مردم ترکیه با افزایش اختیارات رییس‌جمهور مخالفند. برای انجام این مهم، ترکیه نیاز به همدلی در داخل و بیرون از کشور دارد. به همین منظور رهبران این کشور برای جمع کردن رای مثبت به تغییر قانون اساسی دست به دامان شهروندان ترک در اتحادیه اروپا شده و با اعزام وزرای دولت برای تبلیغ بین ترک‌های اروپایی بر آن هستند تا بتوانند بر تأیید این اصلاحات قانون اساسی اثر مثبت بگذارند

که همین اقدام ترکیه سبب بروز اختلافات شدید بین ترکیه و اتحادیه اروپا شده است. آن‌طور که کارشناسان و ناظران می‌گویند رقابت بین مخالفان و موافقان این تغییرات در داخل ترکیه بسیار نزدیک است. هلند اولین کشور اتحادیه اروپا بود که اجازه نداد هوپامی حامل مولود چلووش اوغلو، وزیر خارجه ترکیه در فرودگاه روتردام هلند فرود آید. این اقدام دولت هلند موجب تنش میان این کشور و ترکیه شد. بعد از هلند، آلمان، اتریش، دانمارک و سوئد مخالف خود را با ورود وزرای ترکیه به کشورشان برای کمپین سیاسی تبلیغ، اعلام کرده و هم‌اینک ندای مخالفت از فرانسه و ایتالیا نیز به گوش می‌رسد. مقامات دولت اردوغان نیز صراحتاً سران این کشورها از جمله آلمان و هلند را مورد خطاب قرار داده و آنها را فاشسیت خوانده‌اند.

■ نتیجه و پیامد ماجراجویی‌های ترکیه چیست

مهم‌ترین نتیجه ماجراجویی‌های ترکیه رویکرد سلبی اروپای واحد در قبال آنکاراست. تداوم این رویکرد مسلماً چند پیامد را به همراه دارد. اول آنکه رهبران حزب عدالت و توسعه می‌دانند که با توجه به صف‌آرایی کشورهای اروپایی هر گونه موازنه به نفع اردوغان به هم خورده است و اردوغان باید عطای آرای اتباع ترک این کشورها را به لقای آن ببخشد.

دومین پیامدی که از رهگذر رویکرد سلبی اتحادیه

